

جایگاه معلم و دانش آموز در آموزش و پرورش دینی

دکتر فریال آمار

مقدمه

مهم ترین وظیفه پیامبران الهی تعلیم و تربیت انسان‌ها یا به تعبیر دیگر انسان‌سازی است. امام خمینی (ره) نیز با تأکید بر این امر می‌فرماید: «تمام انبیاء موضوع بحثشان، موضوع تربیتشان، موضوع علمشان، انسان است. آمده‌اند، انسان را تربیت کنند... کتب انبیاء کتب انسان‌سازی است. قرآن کریم کتاب انسان است؛ موضوع علم انبیاء انسان است.»^۱ به همین دلیل اولین آیات که به رسول اکرم (ص) به حسب روایات و تواریخ نازل شده است، آیاتی است که بر تعلیم و تعلم کتاب و حکمت تأکید می‌نمایند: «بخوان به نام پروردگارت که [جهان را] آفرید. همان کس که انسان را از خون بستهای خلق کردا بخوان که پروردگارت [از همه] بزرگوارتر است، همان کسی که به وسیله قلم تعلیم نمود، و به انسان آنچه را نمی‌دانست یاد داد.»^۲ ولی از آن جا که تعلیم و تعلم به تنهایی کارساز نیست، در ادامه آیات به تزکیه سفارش می‌فرماید: «چنین نیست [که شما می‌بندارید]. به یقین انسان طغیان می‌کند، از این که خود را بی‌نیاز ببیند.»^۳ یعنی طغیان و طاغوت بودن از بزرگ‌ترین موانع تعلیم و تعلم شمرده می‌شود و به همین دلیل بلافاصله بازگشت به سوی خداوند را برای تزکیه کردن یادآوری می‌نماید: «به یقین بازگشت [همه] به سوی پروردگار توست.»^۴

و پرورش دینی به عنوان فرایندی جامع که می‌تواند توانمندی‌های عقلی، عاطفی و احساسی آدمی را هم‌زمان شکوفا سازد، معرفی شده است و در این نوع از تعلیم و تربیت، هدف تنها کسب معرفت نیست، بلکه رشد و شکوفایی موزون همه ابعاد وجودی انسان مورد توجه می‌باشد.

بنابراین با عنایت به این که در نظام تعلیم و تربیت دینی، انسان بالقوه خلیفه خداوند بر روی زمین تلقی می‌شود و پروردگار او را اشرف مخلوقات قرار داده است، برای تحقق این شرافت در زندگی واقعی و به فعل رساندن استعدادهای الهی، باید به الگویی که او را به یک انسان نیک مبدل می‌سازد و در عین حال او را تا سر حد یک مخلوق برتر سوق می‌دهد، اقتدا کند.

ارزش و جایگاه معلم در نظام

آموزش و پرورش دینی

یکی از مهم‌ترین امور و مسائل آموزش و پرورش در جهان معاصر، به ویژه در کشورهای به اصطلاح جهان سوم، که از لحاظ

مفهوم و ماهیت آموزش و پرورش دینی

آموزش و پرورش دینی به معنای فعالیتی تعاملی و دو جانبه است که بین معلم یا مربی و دانش آموز یا متربی در جریان است و تا زمانی که متعلم و متربی به هدف نهایی آموزش و پرورش یعنی رشد و کمال دست نیافته باشند، این فعالیت استمرار می‌یابد.

نظام آموزش و پرورش دینی، شاگردان را به گونه ای تربیت می‌کند که در گرایش‌هایشان نسبت به زندگی، در اعمال و تصمیم‌هایشان و در برخورد با تمام معارف، همواره حاکمیت ارزش‌های اخلاقی - الهی را احساس کنند. در چنین نظامی علاوه بر ایجاد نظم ذهنی، دانش آموزان به گونه ای تربیت می‌شوند که دانش را صرفاً برای ارضای کنجکاوی‌های فکری یا منافع دنیوی کسب نمی‌کنند؛ بلکه منطقی و متقی یار می‌بند

و فراهم آوردن موجبات رفاه مادی، معنوی و اخلاقی خانواده، ملت، خود و بنی آدم را وجهه همت خویش قرار می‌دهند. دانش آموزی که از آموزش و پرورش دینی برخوردار می‌شود، موزون با طبیعت و نه معارض با آن زیست می‌کند؛ زیرا دین الهی تا آن جا که متصور است، هدف آموزش و پرورش را در دنیا به غایت سنجیده و جامع عرضه کرده است. بر همین اساس، آموزش

۳۲

پژوه

نشریه ماهانه آموزشی - تربیتی
فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۷
شماره ۳۳۲-۳۳۳



فناوری آموزشی هنوز پیشرفت نکرده‌اند، مسئله معلم است؛ زیرا معلم است که:

- نسل‌ها را به همدیگر ارتباط می‌دهد.

- فرهنگ جامعه را حفظ می‌کند.

- فرهنگ جامعه را در صورت نیاز تغییر می‌دهد و تکامل می‌بخشد

- به رفتار دانش‌آموز شکل می‌دهد.

- افراد مورد نیاز جامعه را تربیت می‌کند.

و ...

از این رو به عقیده متخصصان آموزش و پرورش، برنامه درسی، سازمان مدرسه و وسایل آموزشی - هر چند که اهمیت خاص خود را دارند - در برابر اهمیت معلم چندان ارزشی ندارند، زیرا او است که به همه آنها جان می‌بخشد و آنها را نتیجه بخش و سودمند می‌گرداند. به همین دلیل امروزه در کشورهای پیشرفته و حتی فوق صنعتی، با وجود پیشرفت‌های خارق‌العاده فناوری، مخصوصاً فناوری آموزشی، هنوز جایگاه استاد و معلم محفوظ است، زیرا هیچ ماشینی نتوانسته است جای او را بگیرد.

معلم از چنان ارزش و جایگاهی برخوردار است که پیامبر (ص) در روایتی فرموده‌اند: «من معلم برانگیخته شده‌ام» در حدیثی دیگر از ایشان نقل است که: «بخشنده‌ترین شما بعد از من کسی است که دانش را بیاموزد و سپس دانش خود را به دیگران تعلیم دهد.» هم چنین فرمودند: «علما و ارباب بی‌غمیران‌اند، زیرا پیامبران دینار و درهمی به ارث نگذاشتند، ولی ارث آنها علم بود و هر که از آن بر گرفت، بهره فراوانی برده است.»^۹

ارسطو می‌گوید: «کسانی که کودکان را تربیت می‌کنند باید پیش از افرادی که آنان را باز می‌آورند مورد احترام قرار گیرند، زیرا اینان تنها به کودک زندگی می‌بخشند، در حالی که معلمان هنر بهتر زیستن را به او یاد می‌دهند.»^{۱۰}

این همه، نقش و شخصیت انکارناپذیر و بی‌بدیل استاد را نشان می‌دهد که اگر تربیت نایافته باشد، به سهولت می‌تواند حال و آینده یک ملت را به تباهی بکشاند و اگر تهذیب یافته و صیقل خورده باشد، می‌تواند ملتی را سعادتمند گرداند. به همین دلیل است که معلمان نه تنها به عنوان شریک عامل شمرده می‌شوند، بلکه همانند عمل‌کننده اجر می‌برند. امام باقر (ع) در این زمینه می‌فرمایند: «هر کس بایی از هدایت تعلیم دهد مانند ثواب کسانی

که بدان عمل کنند، اجر دارد و از ثواب آنها هم چیزی کاسته نشود و هر که یک باب از گمراهی تعلیم دهد، مانند کسانی که بدان عمل کنند ببرد و از گناه آنها هم کاسته نشود.»^{۱۱} لذا معلمان باید به جایگاه معنوی خود آگاه باشند، زیرا وقتی خداوند به فرشتگانش دستور می‌دهد فردی را که در حال فراگیری دانش است، بر روی بال خود بنشانند و این اندازه برایش ارزش قائل است، پس معلمی که آموزش دهنده آنهاست نزد خداوند جایگاه و مرتبه والاتری دارد.

ارزش و جایگاه دانش‌آموز در نظام آموزش و

پرورش دینی

دانش‌آموز دارای توانایی‌های ارزشمندی است و می‌تواند در روند درس تأثیر داشته باشد. پیامبر اعظم (ص) در مورد ارزش و جایگاه دانش‌آموز فرموده‌اند: «هر که راهی رود که در آن دانشی جوید، خدا او را به بهشت برد و به راستی فرشته‌ها برای طالب علم پره‌های خود را فرو نهند به نشانه رضایت از او و این محقق است که برای طالب علم هر که در آسمان و در زمین است

آموزش خواهد تا برسد به ماهیان دریا.»^{۱۲}

حضرت سجاده (ع) می‌فرمایند: «اگر مردم می‌دانستند در طلب علم چه فایده‌ای است، دنبال آن می‌رفتند، گرچه خون دل در راه آن بریزند و به گرداب‌ها فرو شوند.»^{۱۳}

امام صادق (ع) فرمود: «هر که دانش آموزد و به کار بندد و آن را برای خدای تعالی تعلیم دهد، در ملکوت آسمان‌ها بزرگش خوانند و گویند برای خدای یاد گرفت، برای خدا عمل کرد و برای خدا تعلیم داد.»

منابع:

- قرآن کریم.

- خمینی، روح الله، تفسیر امام خمینی، تهران: حزب جمهوری اسلامی.

- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۳)، اصول کافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

- شعاری نژاد، علی کبر، مبانی روان‌شناختی تربیت.

پی نوشت ها:

۱- تفسیر امام خمینی

۲. ۳ و ۴ - سوره علق، آیات ۱ تا ۸

۵ - کافی، ج ۱، ص ۹۷

۶ - مبانی روان‌شناختی تربیت، ص ۸۹ - ۹۰

۷. ۸. ۹ و ۱۰ - کافی، ج ۱، ص ۹۶ و ۹۹

